

گذری بر تاریخ کوچه وحدت۲۵ که روزگاری چسبیده به برج و باروی مشهد بود

بازمانده کوچه «پشت بهره»



خانه ارزشمند حجازی

صابون یز خانه» معروف بوده و بخش دوم نیز با نام «کوچه بهره» و «بهره سیدرضوی» شناخته می‌شده است؛ البته در همین نقشه‌ها برای این بخش کوچه که مسیر غربی شرقی دارد، نیز نام کوچه، «بندکش‌ها» ثبت‌شده‌است. سرانجام بایدبگویم در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به دلیل وجود مسجد کوچک امام زین‌العابدین^[۲] در این کوچه در برخی نقشه‌ها(ازجمله نقشه سال ۱۳۷۷ منطقه ثامن) از آن به نام کوچه «مسجد خردو» نیز یاد کرده‌اند.

● شیخ وریا تا پایان دوران قاجار اطلاعات موجود درباره کوچه شیخ وریا تا اواسط دوران قاجار و ثبت نخستین نقشه‌های شهری مشهد، زیاد نیست و محدود به نامه‌نگاری‌های اداری باقی‌مانده در آرشیو آستان قدس – درباره مسائل مرتبط با باروری شهر– است. در این نامه‌ها اغلب به لزوم احیای دیوار و سامان دادن به محدوده پشت آن از منظر اجتماعی و اخلاقی اشاره شده‌است که بیانگر وضعیت نه‌چندان مطلوب سکونت در این محدوده است. در نقشه خانیکوف (ترسیم‌شده به سال ۱۲۳۷)، ردپای این کوچه بدون مشخص کردن ارتباط دقیق آن با سایر نقاط شهر دیده می‌شود. اما دالمج در نقشه خود که یازده سال بعد ترسیم‌شده، شمایل کامل‌تری از این کوچه ترسیم کرده است. بر اساس نقشه دالمج، نیز کوچه شیخ وریا که در این نقشه نامی برای آن مشخص نشده است، نخستین کوچه جنوبی منشعب شده از کوچه قراولخانه (سالاری مقدم کنونی) است. کوچه شیخ وریا در آن زمان سه انشعاب شرقی و پنج انشعاب غربی داشته است که در این بین، دو فرعی سوم و پنجم غربی به کوچه ساربان‌ها متصل می‌شده است و سایر فرعی‌ها نیز بن بست بوده‌اند. وضعیت کوچه در سال ۱۳۳۲ خورشیدی که هرستفالد نقشه خود را ترسیم کرده، تفاوت زیادی با حدود ۵۵ سال قبل نداشته است و تنها یک دسترسی کوچک در بخش انتهایی کوچه به خیابان صفوی آن زمان (نواب صفوی کنونی) ایجاد شده است. به عبارت بهتر در این بازه زمانی، کوچه کامل شده و از بن بست منتهی به باروی شهر خارج شده و به خیابان اصلی شهر ارتباط پیدا کرده است.


 نمایی از مسجد امام زین العابدین ^(۲)

● شیخ وریا در دوران پهلوی‌ها سال‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی را باید دوران رشد و تکامل کوچه سالاری مقدم ۵ دانست. در این دوران پس از حذف برج و باروی شهر و تبدیل مسیر پشت بارو به کوچه‌ای جدید، کوچه سالاری مقدم از بافت مرزی به بافت درون شهری تبدیل شده و کم‌کم فضا‌های موجود در آن، با استقبال ساکنان قدیمی مشهد و البته گروهی از یزدی‌ها و کرمانی‌های تازه‌مجاور شده، روبه‌رو شده و از یک کوچه اقامتی به کوچه‌ای مسکونی، تغییر ساختار داده است.

در همین حال باتوجه به شرایط اجتماعی آن زمان که بسیاری از افسران کارگاه خود را در مجاور منزل خویش ایجاد می‌کردند، پلاک‌های بخش ابتدایی این مسیر (از سمت کوچه قراولخانه) را در بازه زمانی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ سده ۱۴ خورشیدی، فعالان صنف صابون‌پزی مشهد تملک کردند و به همین علت، این راسته به کوچه «صابون یز خانه» و «صابون یزها» هم معروف است؛ البته این اقدام زمان زیادی طول نکشید و با صدور بخشنامه خروج صنایع و فعالیت‌های غیربهداشتی از محدوده مرکزی شهر، دوران حضور این کارگاه‌ها در کوچه به پایان رسید و پلاک‌های در اختیار این افراد به پلاک مسکونی تبدیل شد. در همین بازه زمانی، پلاک‌های ابتدایی کوچه از سمت نواب صفوی نیز به چند کاروان‌سرای بزرگ ازجمله «کاروان‌سرای برسلانی» که بورس برنج‌فروشی و جگرفروشی مشهد بود و گاراژ حاجی‌ربان که تعدادی از پوست‌فروشان در آن مشغول کار بودند، تعلق داشت.

● کوچه شیخ وریا پس از پیروزی انقلاب اکنون بخش شمالی کوچه (حدفاصل کوچه سالاری مقدم تا فرعی متصل‌کننده کوچه به شارستان خوشتری)، اغلب پلاک مسکونی اقامتی دارند، اما بخش دوم کوچه بیشتر در اختیار پلاک‌های اقامتی و البته تجاری بزرگ است. در این بین، وجود بازار بزرگ «عدالت» در ابتدای کوچه (از سمت خیابان نواب صفوی) و پس از آن، پروژه اقامتی تجاری آرمان، باعث شده است شکل و شمایل ورودی کوچه از سمت جنوب، تفاوت بسیاری با ورودی شمالی آن داشته باشد؛ البته وجود مسجد خردوی امام

شکایت مردم نردین از تشکر دروغین!

زن ایرانی و مؤسس دانشکده دندان پزشکی مشهد و همچنین عبدالحسین تیمورتاش، وزیر رضاشاه، زاده نردین هستند. تاریخ پروپیمان این روستا را می‌توان میان متون گذشته پیدا کرد. در یکی از این متون، خبری درباره این ولایت در روزنامه اطلاعات در ۱۵ خرداد ۱۳۰۶ خورشیدی، به چاپ رسیده است. این گزارش کوتاه درباره تظلم خواهی عده‌ای از سادات نردین است که از ظلم منصور الممالک گر یخته‌اند و برای شکایت به تهران رفته‌اند. اهالی این ولایت بدون آنکه خود مطلع باشند،

تلگرافی به روزنامه طوفان داده‌اند و از حاکم سابق نردین تشکر کرده‌اند! در این خبر آمده است: «امروز جمعی از سادات نردینی به اداره آمده و اظهار می‌داشتند که منصور الممالک، حاکم سابق نردین، علاوه بر مظالمی که نسبت به اهالی روا داشته، اینک به طهران آمده، مشغول تشبثاتی گردیده است که مجدداً به مأموریت خود بازگشت کند. ضمناً یک نسخه روزنامه شریفه طوفان را همراه آورده، تلگرافی که به اسم اهالی مبنی بر رضایت از منصور الممالک درج شده بود، ارائه و جداتذیب می‌کردند که

کوچه گردی


 کتیبه مرحوم استاد رضوان مسجد امام زین العابدین ^(۲)

زین العابدین ^(۲)، حسینیه‌های سربازان حسینی و دلباختگان امام جواد^(ع) و منازل شهدایی چون برادران شهید پوراکبر و شهید حجازی (کوچه اکنون به نام او مزین است)، دلایلی برای ادامه حضور و سکونت مشهدی‌ها در کوچه شیخ وریا محسوب می‌شوند. این دلایل در آینده نزدیک با برنامه‌هایی که در طرح جدید اطراف حرم (طرح حریم رضوی) برای کوچه مصوب شده است و یکی از آن‌ها اجرای چند پروژه مسکونی برای مشهدی‌ها در این محدوده توسط شرکت مسکن سازان است. بدون تردید تقویت خواهند شد و در آینده، شاهد مسکونی شدن دوباره پلاک‌های خالی کوچه‌ای خواهیم بود که برخی دارای ارزش میراثی نیز هستند. ناگفته‌نماند که سه‌دهه اخیر، بخش درخورتوجهی از پلاک‌های تجاری ابتدای کوچه از سمت نواب صفوی و بولوار وحدت در اختیار فعالان صنف سمسار مشهد قرار گرفته است و این محدوده، حکم قطب سمساری شهر را هم دارد.

● نام‌های ماندگار کوچه شیخ وریا مهم‌ترین چهره شناخته‌شده ساکن در کوچه، همان شیخ علی اکبر کرمانی، مشهور به «شیخ وریا» است که اگرچه هشتاد سالی از درگذشتش می‌گذرد، هنوز برخی ورئه او در کوچه سکونت دارند. حاج علی شکراللهی مشهدی، از متمولان و داش‌مشتی‌های قدیم مشهد، از دیگر ساکنان شناخته‌شده در این محدوده است که هنوز منزل مسکونی‌اش در تقاطع این کوچه با کوچه سالاری مقدم پایرجاست. نصراً...زاده، برسلانی و ربان، از دیگر خانواده‌هایی هستند که هرکدام چندین پلاک کوچه شیخ وریا را در مالکیت خود داشته‌اند. همچنین باید از شاه‌رخ، جاوید، ذاکران، نیک‌بین، کاملان، ضیافتی، هنرمند و جلالی به عنوان تعدادی دیگر از خانواده‌هایی که هرکدام بخشی از عمر خود را در این کوچه سپری کرده‌اند، نام برد. خانواده‌های شهدان محمود و احمد پوراکبر و اصغر حجازی نیز از قدیمی‌های شیخ وریا هستند که نباید نامشان را از قلم انداخت. در پایان باید یادآوری کنیم حاج حسین صفرزادگان، مشهور به «حسین براق»، که بنای حسینیه «سربازان حسینی» را وقف کرده، نیز از ساکنان شیخ وریا بوده است.

اهالی به هیچ‌وجه از این شخص رضایت ندارند و تمام این امضاها جعلی است. دلیل قوی‌شان هم این بود که می‌گفتند اسم چند نفر ما از قبیل کربلایی علی اصغر، کربلایی حسین قلّی، نقدعلی رستم در بین امضاهاست که روحمان اطلاع ندارد و چندی است به زیارت عتبات رفته، تازه مراجعت کرده ایم و سایر امضاها هم اغلب از منسوبین ما هستند و آن‌ها هم به‌طور قطع، بی اطلاع و تلگراف ساختگی است و به نام احقاق حق و خاتمه دادن به اجافات حاکم سابق محل، تقاضا کردند در این خصوص چیزی نوشته شود، لذا به این چند سطر اکتفاشده، به نظر دقت وزارت داخله محول می‌نماییم.»

عبدالسلام بن صالح، مشهور به خواجه اباصلت هروی، راوی شهادت امام رضا^(ع) و حدیث سلسله‌الذهب، در ۲۷ شوال ۲۳۶ قمری درگذشت و در نزدیکی مشهد به خاک سپرده شد. بیشتر علمای امامیه، اباصلت را از اصحاب امام رضا^(ع) دانسته‌اند و بیشتر منابع اهل سنت نیز او را خادم امام رضا^(ع) معرفی کرده‌اند.



۱۸۶۱ میلادی

با حمله نظامی متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، رضاشاه مجبور به فرار از ایران شد و سرانجام در سال ۱۳۲۳ درگذشت. جنازه‌اش را از ژوهانسبورگ به مصر منتقل کردند تا در آنجا مومیایی شود. این جسد اردیبهشت ۱۳۲۹ به ایران منتقل شد.

۲۳۰ خورشیدی



رایبند رانات تاگور، فیلسوف، نویسنده و شاعر بلندآوازه هندی، به دنیا آمد. او از کودکی شعر می‌سرود و قبل از هجده سالگی، بیش از ۷ هزار بیت شعر سروده بود و در سال ۱۹۰۱ میلادی نیز خانه صلح را در هندوستان تأسیس کرد و همه دیدگاه‌هایش درباره چگونگی آموزش و پرورش را در این مدرسه به مرحله عمل درآورد.



۱۳۳۹ خورشیدی

ایران نامه

تگاهی به یکی از زلزله‌های شدید قرن ۱۴ خورشیدی

۲۵۰۰ کشته در دیلمان ویران‌شده



سیدی انیمه شب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۰۹ خورشیدی یکی از زلزله‌های شدید قرن ۱۴ خورشیدی رخ داد و سبب ویران شدن کامل شهر دیلمان که ما امروز آن را به نام سلماس می‌شناسیم، شد. این زلزله در حالی شهر دیلمقان یا سلماس امروزی در منطقه آذربایجان را در نوردید که روز قبل از آن، وقوع یک زلزله ۵/۵ ریشتری زنگ خطر را به صدا درآورده بود اما نبود آگاهی و امکانات لازم، سبب شده بود مردم گمان کنند زلزله دیگری در کار نیست.

● به صدا درآمدن زنگ خطر زلزله

برابر اخبار بر جای مانده، ساعت ۱۰ صبح ۱۶ اردیبهشت، زمین لرزه‌ای ۵/۵ ریشتری، دیلمان و نواحی اطراف آن را می‌لرزاند و پانزده کشته برجای می‌گذارد. به دنبال این زمین‌لرزه، فرمانده ارتش دیلمقان از مردم می‌خواهد که آن شب در مکان‌های مسقف بنشینند و به سربازان هم می‌سیار شب را بیرون یادگان سپری کنند اما خیلی از مردم اهمیتی به این گفته‌ها نمی‌دهند و زیر سقف خانه‌هایی که گمان می‌کردند امن است، سر بر بالین آسودگی می‌گذارند. اما بامداد ۱۷ اردیبهشت زلزله‌ای هفت ریشتری نه تنها سکوت شب را می‌شکند که زمین وزمان را به هم می‌ریزد و خانه‌ها و ساختمان‌ها را مثل پنبه زده شده، ازهم می‌پاشاند و یکی از رویدادهای تلخ تاریخ ایران را رقم می‌زند.

● تخریب ده‌ا(صدی سلماس و روستاهای اطرافش برابر اسناد برجای مانده، این زلزله که در تبریز، خوی، ارومیه و حتی ترکیه احساس و بانلگراف به شهرهای مختلف خبر داده می‌شود، در شهر سلماس، ۲ هزار و ۵۰۰ کشته و بیش از ۴ هزار زخمی بر جای می‌گذارد. بعد از زلزله، بیشتر روستاهای سلماس ۱۰۰ درصد تخریب می‌شود و تعداد زخمی‌ها و کشته‌شدگان نیز بیش از حد تصور بوده است. از همین‌رو صبح روز ۱۸ اردیبهشت، مردم سراسر آذربایجان به کمک مردم سلماس می‌شتابند.

● یادی از دکتر حسین قلی‌صفی‌زاده یکی از این گروه‌ها، کادر پزشکی به رهبری دکتر حسین قلی‌صفی‌زاده است. روایت است که او چند شبانه‌روز بدون خوابیدن و خوردن غذا مشغول درمان مجروحان و کسانی می‌شود که از زیر آوار بیرون کشیده شده‌اند. خیلی‌ها به او می‌گویند کمی بخوابد یا غذا بخورد اما دکتر صفی‌زاده در پاسخ می‌گوید: «شاید در همان ساعت با دقیقه‌ای که من خوابم یا مشغول غذا خوردن هستم، یک انسان جان بدهد و انسان‌های دیگری، داغ عزیزشان را با چشم ببینند، او آن قدر به معالجه ادامه می‌دهد که در نهایت جان عزیزش را در این راه نثار می‌کند. پس از گذشت چند روز، مردم دیلمان و روستاهای اطراف، کم‌کم مشغول دفن اموات خود می‌شوند و زندگی را از سر می‌گیرند اما با داغ و اندوه بسیار.

● بازسازی شهر سلماس

بعد از زلزله، در شمال غربی ویرانه‌های دیلمقان، شهری جدید به مهندسی اسدا... خاور با مشورت مهندسان آلمانی احداث می‌شود که از آن روز به بعد به نام شاهپور نامیده می‌شود. شاهپور اولین شهر شطرنجی ایران مدرن است که بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مجدداً به نام تاریخی سلماس نامیده شد. در ادامه نیز یک کمیسیون اعمار زمین برای احداث خانه در اختیار مردم قرار داده می‌شود که ریاست آن را بمیرزامهدی ناصر هیئت است و از ۱۲۰۹ تا ۱۳۱۳ به عنوان اولین شهردار سلماس مشغول کار می‌شود.

● وضعیت بناهای تاریخی سلماس پس از زلزله در منطقه سلماس به سبب ناآرامی‌هایی که پس از دوران صفویه وجود داشته، آثار باستانی جدی و تأمل برانگیزی وجود نداشته‌است و اگر اثری هم بوده، متعلق به دوران پس از قاجاریه بوده است که آن هم در حوادث پس از جنگ اول جهانی تقریباً نابود شده است. بررسی آثار باقی‌مانده باستانی در سلماس نشان می‌دهد آثار موجود که به نوعی در ساختمان‌شان سنگ به کار رفته است، استحکام نسبتاً مناسبی در برابر زلزله بزرگ ۷/۲ ریشتری سلماس داشته‌اند. بر اساس این مطالعه، کل آثار خشتی و گلی منطقه از بین رفته‌اند. در این زلزله بیشتر آثار باستانی سلماس از جمله حصار چهارمتری شهر دیلمقان، مساجد و بقاع قدیمی و عبادتگاه‌های مسیحیان، مناره قرون وسطایی میرخاتون در کهنه‌شهر و پل‌های قدیمی نیز از بین رفته‌اند. جالب است بدانید پس از این زلزله در ده‌کیلومتری شمال سلماس، یک چشمه آب گازدار هجده درجه به وجود می‌آید که مردم سلماس آن را «زلزله بولاغی» (چشمه زلزله) نامیدند. اما این چشمه بعدها پس از زلزله ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ گل شد و دیگر نجوشید.



رضاسلیمان نوری ابافت مرکزی مشهد در بازه زمانی ده سال اخیر علاوه بر اجرای سه طرح بزرگ نوسازی اطراف حرم مطهر تغییرات ساختاری دیگری را نیز به خود دیده است. یکی از این تغییرات مهم، حذف برج و باروی اطراف شهر و در نتیجه تبدیل مسیر کنار بارو به کوچه‌ای جدید است. این امر خود حواشی مختلفی را در پی داشته که یکی از آن‌ها، تغییر ساختار و جایگاه کوچه‌هایی بوده است که پیش از این، نام آخرین کوچه شهر قبل از برج و بارو را در اختیار داشتند. این کوچه‌ها بر اثر تغییر گفته شده، اغلب ساختار شهری تری پیدا کرده‌اند و خانه‌های درون آن‌ها بر خلاف گذشته، از بناهای اقامتی به بناهای مسکونی تبدیل شدند؛ امری که با گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن شهر، به‌ویژه پس از اجرای دومین طرح نوسازی، بار دیگر فرایندی معکوس پیدا کرد. کوچه شهید سالاری مقدم ۵ با وحدت ۲۵ کنونی، یکی از این کوچه‌ها محسوب می‌شود. با این تفاوت که بخشی از آن در گذشته، مسیر کنار بارو بوده و به عبارت بهتر این کوچه، تلفیقی از کوچه‌های پشت بهره و کنار بهره است.

● نام‌های کوچه در طول زمان اکنون بر ابتدای این کوچه از سمت جنوب (تقاطع بولوار وحدت و خیابان شهید نواب صفوی)، نام وحدت ۲۵ خودنمایی می‌کند و از سوی دیگر آن نیز (تقاطع آن با کوچه شهید سالاری مقدم کنونی و قراولخانه سابق)، تابلوی سالاری مقدم ۵ و شهید اصغر حجازی دیده می‌شود. همچنین مردم محلی و مشهدی‌های قدیم، این کوچه را به دلیل سکونت واعظ سال‌های نخست سده چهاردهم خورشیدی، یعنی شیخ علی اکبر واعظ‌کرمانی، معروف به شیخ وریا به این نام (شیخ وریا) می‌شناسند. در همین حال بر روی نقشه‌های سال‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی برای این کوچه، سه اسم دیگر نیز ثبت شده است. بخش نخست کوچه از طرف کوچه قراولخانه به دلیل فعالیت چند کارگاه صابون‌پزی در آن، به «کوچه

سند نوشت